

چکیده: امیر حسینی هروی، شاعر و صوفی اهل خراسان (د. ۷۱۸ ق) به واسطه آثاری همچون *نزهة الارواح* و مثنوی‌های عرفانی‌اش شهرت دارد. او همان کسی است که پرسش‌های منظوم او از شیخ محمود شبستری، انگیزه سرودن گلشن راز شبستری شده است. امیر حسینی، دیوان شعری دارد که بسیار نادرالوجود است. دیوان او مشتمل بر قصیده، غزل، قطعه و رباعی است. او در یکی از رباعیاتش از ختیم انتقاد می‌کند و در چند رباعی دیگر، به رباعیات منسوب به ابن حکیم پاسخ گفته است. نقد او به ختیم، در امتداد و استمرار دیدگاه متصوفانی همچون نجم رازی و شمس تبریزی است. وی در رساله *نزهة الارواح* خود به چند رباعی منسوب به ختیم بی ذکر نام گوینده استشهد کرده است. در این مقاله، به بررسی رباعیات دیوان امیر حسینی در رد ختیم و رباعیات ختیمانه *نزهة الارواح* پرداخته‌ایم.

کلیدواژه‌ها: ختیم، رباعیات ختیم، امیر حسینی هروی، *نزهة الارواح*، مجابات.

Amir Ḥusaynī Haravī and Khayyām
Sayyed Ali Mirafzali

Abstract: Amir Ḥusaynī Haravī, a poet and Sūfi from Khurāsān (d. 718/1318), is known for works such as *Nuzbat al-Arwāḥ* and his mystical *mathnavīs*. He is the same figure whose poetic questions to Shaykh Maḥmūd Shabistari inspired the composition of *Gulshan-e Rāz*. His *divān*, which survives in extremely rare copies, contains *qaṣīdas*, *ghazals*, *qit'as*, and *rubā'iyāt*. In one of his *rubā'iyāt*, he criticizes Khayyām, and in several others, he responds to quatrains attributed to the famous philosopher-poet. His critique follows the Sufi tradition of figures such as Najm Rāzī and Shams Tabrizī. In his treatise *Nuzbat al-Arwāḥ*, he also cites several quatrains attributed to Khayyām—though without naming him. This article examines Amir Ḥusaynī's *rubā'iyāt* criticizing Khayyām, as well as the Khayyām-like verses in *Nuzbat al-Arwāḥ*.

Keywords: Khayyām, Khayyām's quatrains, Amir Ḥusaynī Haravī, *Nuzbat al-Arwāḥ*, poetic replies.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

امیر رکن‌الدین حسین غوری هروی متخلص به حسینی و مشهور به امیرحسینی سادات، از عرفای خراسان در اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم هجری قمری است. زادگاه او روستای گرو در شهر غور بود، اما به واسطه اقامت طولانی در هرات، به هروی شهرت یافت. تاریخ تولد او را برخی ۶۷۱ و برخی دیگر ۶۴۱ ق دانسته‌اند. اما در تاریخ فوت او اتفاق نظر نسبی وجود دارد و آن سال ۷۱۸ هجری قمری است.^۱ حسینی در مثنوی کنزالرموز می‌گوید که از قبول نظر شیخ بهاء‌الدین زکریای مولتانی (د. ۶۶۱ ق) سعادت ارشاد یافته است.^۲ در همین اثر، شیخ صدرالدین مولتانی فرزند شیخ بهاء‌الدین را نیز ستوده است. از همین رو، تاریخ ۶۴۱ ق برای ولادت او، استوارتر به نظر می‌آید.

از امیر حسینی هروی، آثاری به نظم و نثر باقی مانده که مشهورترین آن‌ها، رساله عرفانی نزهة الارواح است که چند بار تصحیح و چاپ شده است. نزهة الارواح، نثری است آمیخته با حکایات و امثال و اشعار فارسی و عربی. در این اثر به چند رباعی منسوب به خیام استناد شده که در مورد آن سخن خواهیم گفت. از دیگر آثار منشور امیر حسینی، طرب المجالس و صراط المستقیم است. امیر حسینی سه مثنوی دارد به نام‌های کنزالرموز، زاد المسافین و سی نامه که جداگانه و با هم (با عنوان: مثنوی‌های عرفانی امیرحسینی هروی) به چاپ رسیده است. مجموع ابیات این سه مثنوی، ۳۸۰۰ بیت است.

امیر حسینی به سال ۷۱۷ ق پرسش‌هایی منظوم در قالب ۱۷ بیت مثنوی برای شیخ محمود شبستری فرستاد و از او خواهش جواب کرد. شیخ، نخست پاسخی مختصر بر آن تدارک دید و همراه قاصد نامه کرد و سپس به درخواست یاران، به بسط پاسخ‌ها پرداخت و منظومه‌ای در همان وزن پرسش‌های امیرحسینی سرود و آن را گلشن راز نامید.^۳

از امیر حسینی، دیوان شعری باقی مانده که فقط یک دستنویس از آن می‌شناسیم و آن، نسخه‌ای است که شادروان علی اصغر حکمت به کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران اهدا کرده است و در آنجا به شماره ۲۲۰ در مجموعه حکمت نگه‌داری می‌شود.^۴ این نسخه، در قرن سیزدهم به خط نستعلیق در ایروان کتابت شده است و مجموعه‌ای از آثار منشور و منظوم امیرحسینی را در بردارد. دیوان امیرحسینی، بخش ششم مجموعه است (صفحات ۴۲۹-۵۳۶) و مشتمل بر قصاید،

۱. نفحات الانس، ۶۰۳.

۲. مثنوی‌های عرفانی، ۲۳-۲۴؛ شرح احوال و آثار امیرحسینی، ۱۱-۸.

۳. مجموعه آثار شیخ محمود شبستری، ۶۸-۶۹.

۴. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده ادبیات، ۵۲: ۲.

غزلیات، چند قطعه و چند رباعی است و در حدود ۱۹۰۰ بیت شعر دارد. جامی، نسخه‌ای از دیوان امیرحسینی را در اختیار داشته و آن را در غایت لطف دانسته است.^۱ پنج قصیده‌ای که در دیوان امیرحسینی است، به پنج گنج موسوم است و نسخه‌های جداگانه‌ای از آن یافت می‌شود.^۲ بعضی از غزلیات او نیز در مجموعه‌های کهن ثبت شده است.^۳

نقد خیام در رباعیات امیرحسینی هروی

دیوان امیرحسینی، دارای ۴۳ رباعی است. از رباعیات در خور توجه او، رباعی است که در نقد و نکوهش خیام سروده است:

(۱)

خیام گر از باد هوا دور بُدی از بهر می تلخ، نه در شور بُدی
بر خاکش اگر شعله زدی آتش عشق کی مستی او ز آب انگور بُدی؟^۴

امیرحسینی، در چند رباعی دیگر نیز به برخی از رباعیات منسوب به خیام یا رباعیاتی از سنخ رباعیات خیام پاسخ گفته است. نقد او به خیام، در امتداد و استمرار دیدگاه برخی از اهل تصوف مانند عطار، نجم رازی، شمس تبریزی و مولاناست که در آثار خود، خیام را سخت نکوهش کرده و بر او تاخته‌اند. جمال الدین قفطی (د. ۶۴۶ق) مؤلف تاریخ الحکماء از رواج برخی از رباعیات خیام در محافل صوفیه خبر داده و گفته است: «صوفیان متأخر از برخی معانی ظاهری شعرهای او آگاه شدند و آن‌ها را به طریقت خود وارد کردند و آن‌ها را در مجالس و خلوت خود به بحث گذاشتند. حال آنکه باطن این شعرها، شریعت را همچون مار نیش می‌زند».^۵ همان طور که برگ‌نیزی نوشته، از فارسی‌دانی قفطی خبری در دست نیست و تنها کتابی که می‌تواند مطابق ادعای او باشد، البلغة فی الحکمة (الاقطاب القطیبه) عبدالقادر اهری حکیم و عارف اهل آذربایجان است که به

۸۸

آینه پژوهش | ۲۱۱

سال ۳۶ | شماره ۱

فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۴

۱. نفحات الانس، ۶۰۵.

۲. از جمله آن‌هاست مجموعه شماره ۴۸۷۰ کتابخانه ایاصوفیا که در بردارنده آثار منظوم و منثور امیرحسینی است و پنج گنج او در اوراق ۲۶۵ پ- ۲۷۴ ر واقع است. این نسخه در ۸۵۳ ق کتابت شده است. کاتب، نام مجموعه را سته حسینی نهاده است؛ نیز رک. مجموعه آثار حسینی، شماره ۲۱۲۷ کتابخانه ایاصوفیا، کتابت در ۸۷۸ ق، برگ ۱۵۱ پ- ۱۵۹ ر.

۳. سیف جام هروی، در اوایل قرن نهم ۲۳ غزل امیرحسینی را در مجموعه خود نقل کرده است (مجموعه لطایف، دستنویس کتابخانه بریتانیا، برگ ۲۹۶ ر- ۲۹۹ پ).

۴. آثار منثور و منظوم امیرحسینی هروی، ۵۳۳-۵۳۴.

۵. حکیم عمر خیام و رباعیات، ۶۵.

عربی نگاشته شده (تألیف در ۶۲۹ق) و نویسنده در آن به دوربای خیام استناد جسته و از خیام با القابی ستایش آمیزی مثل «الحبُّ الباهر و البحرُ الغامر» یاد کرده است.^۱

به احتمال زیاد، علت نقد و طعن امیرحسینی هروی به خیام این می‌تواند باشد که در نیمه اول قرن هشتم هجری رباعیات خیام رواجی روز افزون داشت و علاوه بر محافل صوفیه، اقبال عمومی نیز بدان‌ها رو به گسترش بود. بررسی منابع رباعیات خیام گواه این مدعاست.^۲ امیرحسینی هروی در رباعی فوق به باده‌پرستی و باده‌ستایی خیام خُرده گرفته و آن را ناشی از خواهش نفس یا سبکسری او (باد هوا) دانسته است. فروکاستن اندیشه خیامی به مستی و باده‌پرستی، پاک کردن صورت مسئله است و امری بی سابقه‌ای نیست. امیر معزی، همشهری هم عصر خیام نیز برای تخطئه حکیم عمر خیام، از همین روش استفاده کرده و افکار او را تحت تأثیر باده دانسته است.^۳ امیرحسینی هروی، علاوه بر رباعی فوق که اشاره صریح به نام خیام دارد، در پاره‌ای دیگر از رباعیاتش به رباعیات منسوب به خیام و اندیشه‌های خیامانه پاسخ داده است. در این پاسخ‌ها، او از گوینده رباعیات با صفاتی مثل مفسدِ ناهل، شقی، بی ادب و بی حیا، بی خرد و احول‌صفت یاد کرده است. این رباعیات را نقل می‌کنیم و زیر هر رباعی، توضیحاتی اگر لازم باشد، می‌آوریم.

(۲)

گر می خوری و به نزد تو سهل بود این شیوه مفسدان ناهل بود
قسمت چو شقاوت آمد از روز ازل داری طمع سعادت، از جهل بود!^۴
رباعی فوق، پاسخی است به این رباعی منسوب به خیام:
من می خورم و هرکه چو من اهل بود می خوردن من به نزد او سهل بود
می خوردن من حق به ازل می دانست گر می نخورم، علم خدا جهل بود!^۵

۱. همانجا، ۷۱-۷۲. یکی از رباعیات مورد اشاره، رباعی: «در جُستن جام جم جهان پیمودم» است (البلغة فی الحکمة، ۲۵۰) که بدون ذکر نام گوینده در آثار شیخ شهاب‌الدین سهروردی (لغت موران، ۴۷) و شیخ روزبهان بقلی (عبرالعاشقین، ۴۹) مورد استشهاد قرار گرفته است. البته نباید فراموش کرد که اهری با دوربای دیگر خیام (بدون اشاره به اسم او)، برخوردی انتقادی داشته است (البلغة فی الحکمة، ۲۵۴، ۲۵۵).

۲. برای دیدن منابعی که همزمان با دوران حیات امیرحسینی به نقل رباعیات خیام پرداخته‌اند، رک. رباعیات خیام و خیامانه‌های پارسی، ۶۱-۵۶ (حدود ۲۰ منبع).

۳. همانجا، ۳۹۸.

۴. آثار منثور و منظوم امیر حسینی هروی، ۵۳۴.

۵. طبخانه، ۱۰۱.

با اینکه رباعی به نام حکیم عمر خیام شهرت یافته، در اصل سروده سراج‌الدین قمری آملی (د. ۶۲۵ق) است و علاوه بر دیوان شاعر که بر اساس یک نسخه کهن معتبر تصحیح شده، حمد مستوفی نیز به سال ۷۳۰ هجری قمری آن را به نام قمری آورده، و این رباعی عزالدین کرچی قزوینی را در پاسخ آن ذکر کرده است:

گفتی که گنه به نزد من سهل بود این نکته نگوید آنکه او اهل بود
علم ازلی علّت عصیان کردن نزد عقلا ز غایت جهل بود!
تقی کاشانی نیز دو رباعی در پاسخ رباعی مورد اشاره آورده که یکی سروده خواجه نصیر طوسی است و دیگری، از شاعری ناشناس.^۱

از آنجا که رباعی دوم امیرحسینی بلافاصله بعد از رباعی اول آمده، می‌توان گفت که او خیام را سراینده رباعی می‌دانسته است.

(۳)

ای آنکه تو را نه ادب است و نه حیاست با فاعل مختار کرا چون و چراست
چون حضرت او مظهر لطف آمد و قهر زین هر دو هرآنچه اقتضا کرد، رواست^۲
خیام دو رباعی با این قافیه دارد و به نظر می‌رسد رباعی امیرحسینی، پاسخ رباعی زیر باشد:
دارنده چو ترکیب طبایع آراست باز آنچه سبب فکندش اندر کم و کاست
گر خوب نیامد این بنا، عیب کراست و خوب آمد، خرابی از بهر چراست^۳

(۴)

ایزد چو همه کار نکو می‌سازد عیبی نبود که پشت و رو می‌سازد
بر شیشه خود بزن سنگ توبه ببین^۴ می هست حرام اگر کدو می‌سازد^۵
رباعی امیرحسینی، پاسخ بسیار سستی به این رباعی منسوب به خیام است:
حیی که به قدرت سر و رو می‌سازد همواره همه کار عدو می‌سازد
گویند که: شیشه‌گر مسلمان نبود آن را تو چه گویی که کدو می‌سازد^۶

۹۰

آینه پژوهش | ۲۱۱
سال ۳۶ | شماره ۱
فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۴

۱. رباعیات خیام و خیتامانه‌های پارسی، ۴۱۰.

۲. آثار منثور و منظوم امیر حسینی هروی، ۵۳۴.

۳. رباعیات خیام و خیتامانه‌های پارسی، ۱۶۳. به این رباعی خیام چندین نفر پاسخ گفته‌اند.

۴. در نسخه چنین است و وزن آن ثقیل است. شاید در اصل چنین بوده: بر سنگ بزن شیشه خود را و ببین.

۵. آثار منثور و منظوم امیر حسینی هروی، ۵۳۴.

۶. رباعیات خیام و خیتامانه‌های پارسی، ۲۴۷.

(۵)

پرسید یکی که این جهان کی کردند اینجاست که نامه خرد طی کردند
شی لا نشود، ولی زلا شی کردند چون یافت وجود، نام او حی کردند

(۶)

قومی که همه اشارت از وی کردند ایشان نه حدیث شی و لا شی کردند
چون نیست کسی واقف اسرار ازل زنهار مگو که این جهان کی کردند^۱
رباعی با این مضمون و قافیه در میان رباعیات منسوب به خیام یافت نشد. خوشبختانه، شاه
نعمت الله ولی متن رباعی مد نظر امیرحسینی هروی را در دیوان خود آورده و به آن در قالب
پرسش و پاسخ، جواب گفته است:

سؤال

آنجا بودی که این جهان پی کردند معلومت شد که این جهان کی کردند
پیدا شدن وجود لا از شی بود شی از لا بود، یا زلا شی کردند؟

جواب

لاشی به وجود خویشتن شی کردند چون جام تهی بود پُر از می کردند
او کرد ظهور و عین ما پیدا شد زان ذات و صفت اسم من و وی کردند^۲
به احتمال زیاد، در منابعی که اکنون در دسترس ما نیست، رباعی: «آنجا بودی که این جهان پی
کردند» به نام خیام ثبت بوده است. اینکه از خیام هست یا نه، امر جداگانه‌ای است.

(۷)

افسانه کافری و اندیشه دین جز نقش خیال آن و این نیست بین
گر پرتو نور او بتابد ز کمین کونفی و چه اثبات و کجاشک و یقین^۳
حدس می‌زنم که امیرحسینی هروی در سرودن رباعی فوق، به رباعی زیر نظر داشته که به خیام
منسوب است:

۱. آثار منثور و منظوم امیر حسینی هروی، ۵۳۴.

۲. کلیات اشعار شاه نعمت الله ولی، ۶۷۳.

۳. آثار منثور و منظوم امیر حسینی هروی، ۵۳۴.

قومی متحیرند در کوی یقین قومی به گمان فتاده اندر ره دین
 ناگاه منادیی برآید ز کمین کای بی خبران راه نه آن است و نه این^۱
 هم قافیۀ رباعی و هم کلمات مشترک (دین، یقین، کمین، آن و این) مؤید این حدس است.

(۸)

می گرچه رخت چولاله کرده ست مخواه عقدش به تو گر حواله کرده ست مخواه
 با دختر رز عقد حرام است، مکن بسیار کسش حلال کرده ست مخواه^۲

احتمالاً رباعی امیرحسینی هروی، پاسخی به این رباعی مهجور منسوب به خیام است:
 می خور همه ساله ساغر مالا مال وز سر بگذار هرچه سودای محال
 با دختر رز نشین و عشرت می کن دختر به حرام به که مادر به حلال^۳
 رباعی فوق در دیوان پوربهاء جامی (شاعر قرن هفتم ق) نیز آمده و در آنجا در مصراع نخست، به
 جای کلمۀ «ساغر»، «ای عُمَر» دیده می شود که اشاره به نام خیام دارد. پوربهاء نقیضه ای بر
 رباعی فوق بسته است:

گفتم نبرم دختر رز را من نام آن شوخ خراباتی خُم پرور خام
 با مادر او مهر فکندم از دل مادر به حلال به که دختر به حرام^۴

همچنین ممکن است رباعی امیرحسینی، اشارتی به این رباعی منسوب به خیام داشته باشد که
 در اصل جزو سروده های شرف الدین شفره اصفهانی (د. ۵۹۸ ق) است:

غم کشته جام یک منی خواهم کرد خود را به دو رطل می غنی خواهم کرد
 اول سه طلاق عقل و دین خواهم گفت پس دختر رز را به زنی خواهم کرد^۵

۱. سفینه کهن رباعیات، ۱۱۴ (از گفتار عمر خیام)

۲. آثار منثور و منظوم امیر حسینی هروی، ۵۳۴

۳. نادرۀ ایام حکیم عمر خیام، ۳۷۲

۴. دیوان پوربهاء جامی، ۹۴-۹۴ پ. در مصراع دوم در نسخه، «جام» کتابت شده و «خام» تصحیح قیاسی ماست. در دیوان
 پوربهاء، هر دو رباعی به نام پوربهاء ثبت است و بر حسب قافیه، در دو موضع جداگانه جای گرفته است. با توجه به خطاب
 «ای عمر» در رباعی نخست، حدس می زنیم که در اصل دیوان پوربهاء رباعی نخست به نام خیام ثبت بوده و رباعی دوم را
 شاعر در نقض آن سروده است.

۵. طربخانه، ۹۰؛ دیوان شرف الدین شفره، برگ ۱۴۰ پ

(۸)

زنهار مگو اساس محکم هیچ است وین قالب آمدشدنِ دم هیچ است
هر ذره نشانِ قدرت اوست ببین احوال صفتا! مگو که عالم هیچ است^۱

رباعی امیرحسینی، گویا پاسخی به این رباعی منسوب به خیام است:

ای بی خبر! این شکل مجسم هیچ است وین دایره سطح مخیم هیچ است
خوش باش که در نشیمن کون و فساد وابسته یک دمیم و آن هم هیچ است^۲

البته در اینکه رباعی از خیام باشد، تردید جدی وجود دارد. رباعی در هیچ منبع کهنی به نام خیام ثبت نشده است و این انتساب، محصول مجموعه‌های متأخر دوره تیموری است. اینکه امیرحسینی آن را از خیام می‌دانسته یا نه؟ یقین کامل نداریم. ولی هرچه هست، آن را در حوزه معانی خیامانه می‌دیده و لازم می‌دانسته که به محتوای آن پاسخ دهد.

رباعی منسوب به خیام در برخی از تذکره‌ها به اسم خواجه نصیرالدین طوسی ثبت است.^۳ در سفینه مؤرخ ۷۵۰ ق کتابخانه مجلس، گردآورنده رباعی زیر را به خواجه نصیر نسبت داده‌اند که نوعی «هیچ‌نامه» است:

چون بر سفریم، ای پسر هیچ مگوی احوال سفر در این حضر هیچ مگوی
ما هیچ و جهان هیچ و غم و شادی هیچ می‌دان که نه‌ای هیچ و دگر هیچ مگوی^۴
سپس در دنباله رباعی بالا، رباعی «ای بی خبران شکل مجسم هیچ است» را با عنوان «لغیره» آورده که مفهومی این است که او رباعی دوم را از خواجه نصیر نمی‌دانسته است. رباعی به امیر عارف نوه مولانا نیز منسوب است.^۵

از هشت رباعی نقل شده، چنین برداشت می‌شود که امیرحسینی کاری به درستی یا نادرستی انتساب رباعیات مذکور به خیام نداشته و مسئله اصلی او، جریان رباعی خیامی بوده است نه

۱. آثار منظوم و منظوم امیر حسینی هروی، ۵۳۲. ردیف رباعی در نسخه «هیچی» ثبت شده که نادرست به نظر می‌رسد؛ «هیچ است» تصحیح ماست.

۲. طریخانه، ۳۵.

۳. عرفات العاشقین، ۶: ۳۸۲۵.

۴. سفینه نظم و نثر، دستنویس ۶۳۳ مجلس، ۱۶۲ پ (خواجه نصیرالدین طوسی گوید)؛ مجموعه اشعار، یحیی توفیق، ۷۵۴ ق، برگ ۶ پ (مولانا نصیرالدین طوسی)

۵. دیوان اولو عارف چلبی، ۳۰۲. برخی از رباعیات دیوان او متعلق به مولانا و شاعران دیگر است.

صرفاً شخص ختام. او خطر گسترش این رباعیات را حس می‌کرده و لازم می‌دیده که به آن‌ها از منظر مذهبی و عرفانی پاسخ گوید.

رباعیات ختامانه در نزهةالارواح

نزهةالارواح، یکی از نوشته‌های معروف امیرحسینی هروی است. وی این رساله منشور عرفانی را به سال ۷۱۱ هجری قمری، در یک مقدمه، ۲۸ فصل و یک ذیل به پایان برده است. نشر کتاب، نشر مسجع آراسته به انواع تجنیس و ترصیع است و مؤلف جای جای رساله، اشعار فارسی و عربی، آیات و احادیث، اقوال بزرگان و حکایات مناسب را گنجانده است. وی در رعایت سجع به شیوه نثرنویسی خواجه عبدالله انصاری گرایش داشته و در موضوع بندی کتاب و آراستن نثر خود به اشعار و اقوال و حکایات، از سبک سعدی در گلستان پیروی کرده است. تعداد زیاد نسخه‌های خطی کتاب، نشان دهنده اقبال دوستداران ادبیات در چند قرن گذشته به این رساله است.^۱ بر نزهةالارواح چندین شرح نوشته‌اند. ترجمه ترکی رساله نیز موجود است.

نزهةالارواح چندین بار تصحیح شده و بارها در هند، ایران، افغانستان و ترکیه به چاپ رسیده است.^۲ آخرین آن‌ها، تصحیحی است که به اهتمام خانم پریا زواره‌ئیان بر اساس پنج دستنویس قرن نهم هجری صورت گرفته است. آقای حسن جهاندار ورنوسفادرانی نیز این اثر را به عنوان پایان‌نامه تحصیلی مقطع کارشناسی ارشد (دانشکده ادبیات دانشگاه تهران) بر مبنای شش نسخه تصحیح کرده که به نظر من از تصحیح خانم زواره‌ئیان بهتر است.

امیرحسینی هروی، در رساله خود سه رباعی کامل و بی‌تی از یک رباعی منسوب به ختام را آورده که همچون اغلب اشعار کتاب، فاقد نام گوینده است. با توجه به تاریخ تألیف نزهةالارواح (۷۱۱ق)، نقل این رباعیات در حوزه مطالعات مربوط به رباعیات ختام ارزش زیادی دارد. برخی از اشعار نزهةالارواح سروده خود امیرحسینی هروی است و اشعار زیادی را از نیز منابع دیگر وام ستانده است. متأسفانه مرز میان این دو دسته شعر، مشخص نیست. بنابراین، احتمال آنکه رباعیات شماره ۱۰ و ۱۱ سروده خود او باشد منتفی نیست. تا آنجا که بنده جست‌وجو کردم، این دو رباعی در منابع پیشین یافت نشدند.

۱. در فهرستگان نسخه‌های خطی ایران، ۱۲۷ نسخه از این اثر معرفی شده (۲۸۶-۲۷۹: ۳۳) که باید به آن‌ها نسخه‌های موجود در کتابخانه‌های ترکیه، شبه قاره، کشورهای عربی، روسیه، آسیای مرکزی، کشورهای اروپایی و آمریکا را افزود.

۲. کتاب‌شناسی آثار فارسی چاپ شده در شبه قاره، ۱: ۶۸۹-۶۹۰

(۹)

اسرار ازل را نه تو دانی و نه من وین حرف معمّا نه تو خوانی و نه من
هست از پس پرده گفت و گوی من و تو چون پرده برافتد نه تو مانی و نه من^۱
روایت بالا که ما آن را روایت دوم رباعی می‌نامیم، صورت تراش خورده و ویرایش یافته یکی از رباعیات منسوب به خّیّام است که در قدیمی‌ترین منبع چنین ضبط شده است (روایت اول):
اسرار فلک را نه تو دانی و نه من سردفترِ راحت نه تو خوانی و نه من
این مایه یقین دان که چو در می‌نگری یک هفته دیگر نه تو مانی و نه من^۲
در رباعی ششم نیز ترکیب «اسرار ازل» دیده می‌شود. به نظر امیرحسینی هروی کسی از رازهای هستی سر در نمی‌آورد: «نیست کسی واقف اسرار ازل». در اینجا مشابهتی میان نظر او و اندیشه‌های خّیّامی دیده می‌شود.

(۱۰)

ای بی‌خبر از کار جهان، هیچ نه‌ای بنیاد به باد است از آن هیچ نه‌ای
ممکن به گمان حدّ وجود است و عدم نیکو بنگر که در میان هیچ نه‌ای^۳
مصراع سوم، خالی از ابهام نیست. ما ضبط آقای حسن جهاندار (رساله تصحیح نزهةالارواح) را اختیار کرده‌ایم. در چاپ خانم زواره‌یان چنین است: ممکن به گمان خود وجود است و عدم. قدیمی‌ترین منبع انتساب رباعی به خّیّام، طریخانه (تألیف در ۸۶۷ق) است و رشیدی تبریزی، رباعی را چنین ضبط کرده است:

ای بی‌خبر از کار جهان، هیچ نه‌ای بنیاد تو باد است، و ز آن هیچ نه‌ای
شد حدّ وجود تو میان دو عدم اطراف تو هیچ و در میان هیچ نه‌ای^۴
این «هیچ‌نامه» یادآور رباعی هشتم است و در نگاه اول، میان انتقاد امیرحسینی هروی از رباعی منسوب به خّیّام و درج این رباعی در نزهةالارواح تضادی به چشم می‌آید که کمی بعدتر در مورد آن توضیح خواهیم داد. رباعی بعدی، در زمینه حکایتی نقل شده است که درج کلّ آن حکایت، به فهم بهتر دیدگاه امیرحسینی مدد می‌رساند:

۱. نزهةالارواح، ۴۰؛ تصحیح نزهةالارواح، ۱۰۷

۲. سفینه کهن رباعیات، ۱۱۹؛ رباعیات خّیّام و خّیّامانه‌های پارسی، ۲۹۵-۲۹۸

۳. نزهةالارواح، ۴۵؛ تصحیح نزهةالارواح، ۱۲۱

۴. طریخانه، ۴۲

(۱۱)

«حکایت. وقتی قصد حمام کردم. صورتی دیدم با قامتی تمام بر درِ حمام نقش کرده. با خود گفتم هیأتی بدین زیبایی و قامتی بدین رعنائی را یقین است که از برای مصلحتی نگاشته‌اند و هرآینه به جهت مهمی داشته‌اند. این حکایت را از هر نوع گره می‌بستم که صورت، زبان حال برگشاد و گفت: ای غافل! اگرچه شکلی دارم، اما در کار خود مشکلی دارم. بیت

هر چند که رنگ و بوی زیباست مرا چون لاله رخ و چو سرو بالاست مرا
معلوم نشد که بر درِ خانه خلق نقّاش من از بهر چه آراست مرا

بر درِ حمام برهنه شده‌ام و همه بر من می‌گذرند. روز و شب قایم منم و سیم دیگران می‌برند. مدتی شد که روی به دیوار آورده‌ام و حیران بمانده و هیچ در نمی‌یابم که آمیختن این رنگ چیست و انگیختن این نقش چراست. بیت.

نباید که ناگاه خاکم کنند وزین روی دیوار پاکم کنند
نه از بود من هیچ سودی مرا نه اندر حقیقت وجودی مرا
شب و روز در محنت و اندم ز هر نوع خود را دلی می‌دهم
ندانم کیم من بدین رهگذر نه از آمدن، نی ز رفتن خبر
اگر نیستم چیست این رنگ و بوی وگر هستم آخر چه چیزم بگوی
در این خاکدان باد پیموده‌ام همه عمر جز نقش ننموده‌ام

محققان گفته‌اند که: «النهاية هي الرجوع الى البداية». از اینجا معلوم می‌شود که هیچ معلوم نمی‌شود.^۱

نزهة الأرواح حسینی قدیمی‌ترین منبع رباعی است و حتی احتمال دارد رباعی سروده خود حسینی باشد. ۱۵۰ سال بعد از نگارش این اثر، رشیدی تبریزی آن را به خیام نسبت داده است:

هر چند که روی و موی زیباست مرا چون لاله رخ و چو سرو بالاست مرا
معلوم نشد که در طربخانه خاک نقّاش ازل بهر چه آراست مرا^۲

روایت طربخانه، صورت ویرایش یافته رباعی است و نشان دهنده فرایندی است که در گذر زمان برای تصحیح و تنقیح رباعیات منسوب به خیام شکل گرفته است. مفهوم رباعی، بازتکرار یکی از مفاهیم کلیدی رباعیات اصلی خیام است:

۱. نزهة الأرواح، ۶۳-۶۴؛ تصحیح نزهة الأرواح، ۱۸۵-۱۸۷. متن، جز یک مورد بر اساس منبع دوم است.

۲. طربخانه، ۱۵.

ز آوردن من نبود گردون را سود وز بُردن من جاه و جلالش نفزود
وز هیچ کسی نیز دو گوشم نشنود کآوردن و بُردن من از بهر چه بود؟^۱
عبارت آخر نزهةالارواح: «از اینجا معلوم می شود که هیچ معلوم نمی شود»، یادآور مصراع چهارم
این رباعی ختام است:

گفتم که دلم ز علم محروم نشد کم ماند ز اسرار که مفهوم نشد
اکنون که همی بنگرم از روی خرد معلوم شد که هیچ معلوم نشد^۲
آخرین شعری که می خواهم از نزهةالارواح نقل کنم، بیت دوم یکی از رباعیات کهن منسوب به
خیام است:

(۱۲)

ما را ز قضا جز این قدر ننمایند پیمانۀ تویی، باد به تو پیمایند^۳
احمد غزالی رباعی را بی نام گوینده در رسالۀ عینیه خود آورده که همزمان با دوران حیات خیام
است. احتمال دارد امیرحسینی بیت مذکور را از رسالۀ غزالی برگرفته باشد. متن کامل رباعی
چنین است:

آرند یکی و دیگری براینند بر هیچ کس این راز همی نگشایند
ما را ز قضا جز این قدر ننمایند پیمانۀ تویی، باد به تو پیمایند^۴

پرسشی که پیش می آید این است که چرا و چگونه شخصی که این همه به رباعیات ختامانه نقد
متعصبانه دارد، در رسالۀ خود، تعدادی از رباعیات منسوب به خیام را همدلانه نقل می کند؟
این سؤالی است که کل تاریخ رباعی با آن درگیر است. اگر در اشعار کسانی مثل سنایی غزنوی،
معزی نیشابوری، عطار و نجم رازی که به نحوی به خیام طعنه و تعریض دارند، دقت کنیم
متوجه می شویم که ایشان به رغم نقد خیام، سراینده تعدادی از رباعیات ختامانه نیز هستند و
اتفاقاً بعضی از رباعیات ایشان، در سنوات و سده های بعد، به کاروان رباعیات خیام پیوسته
است. از نظر من، این موضوع به پهنای و شناور بودن مفهوم ختامانگی در طول تاریخ رباعی

۱. رباعیات خیام و ختامانه های پارسی، ۱۸۵

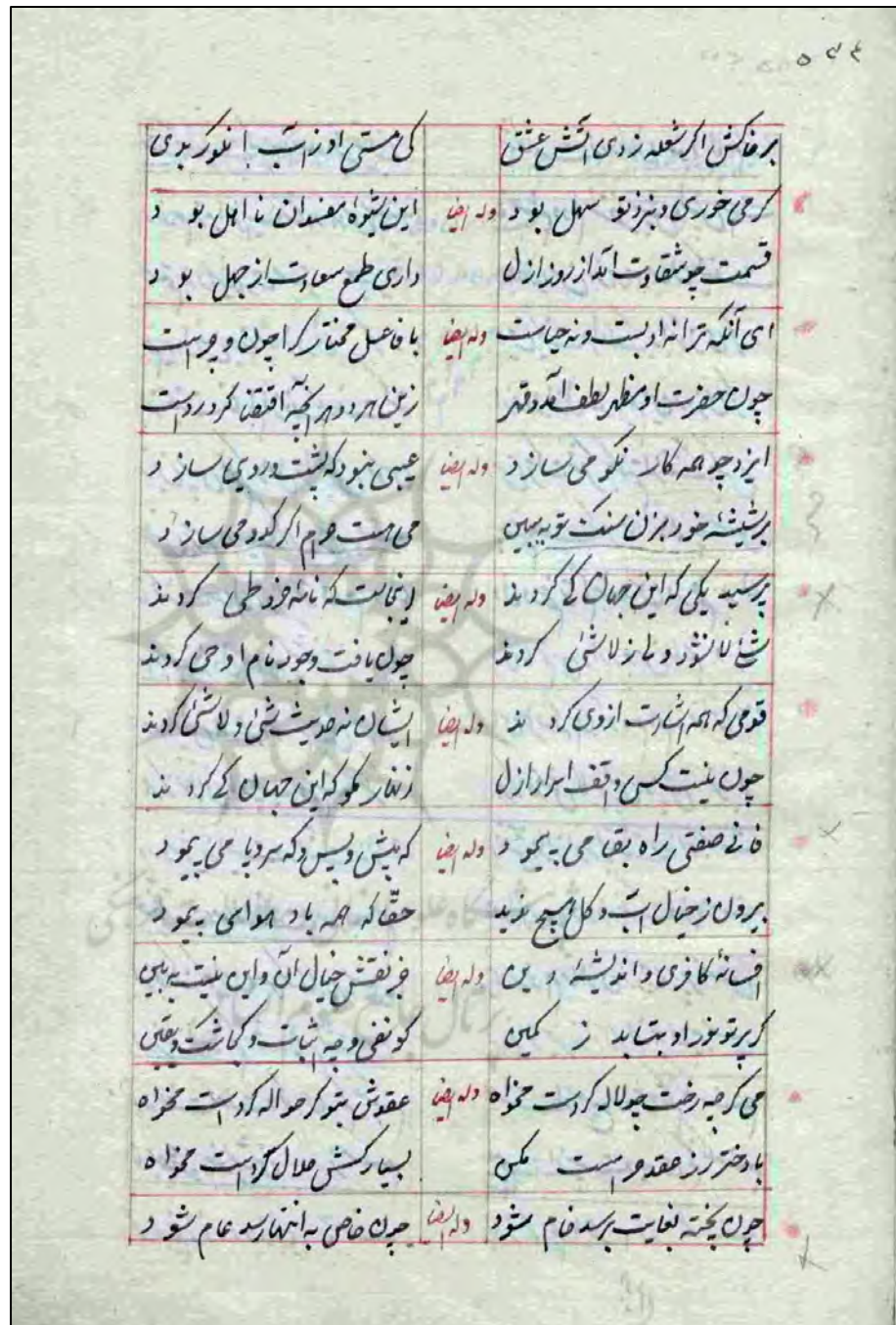
۲. همانجا، ۲۴۹

۳. نزهةالارواح، ۹۵؛ تصحیح نزهةالارواح، ۳۰۹. در مصراع دوم، هر دو تصحیح «باده» دارند. اصلاح آن به «باد» بر اساس نسخه
بدل های نزهةالارواح (سه نسخه از شش نسخه تصحیح جهاندار) و منابع کهن رباعی است.

۴. رباعیات خیام و ختامانه های پارسی، ۱۸۳

مربوط است. در این دامنه گسترده، مفاهیمی چون باده ستایی، شادباشی و شادنوشی، اغتنام فرصت، اعتراض به نظام هستی، مرگ ناگزیر، حیرت و سرگشتگی، نرسیدن به کُنه راز آفرینش، عجز و عدم اختیار آدمی، وجود شرّ و پلیدی در جهان، ستایش زیبایی و اندوه خوردن بر زوال زیبایی، لذت بردن از زندگی، پرهیز از آزار دادن دیگران، آزادگی، خودشناسی، گاه به شکلی متضاد در کنار هم نشسته اند. بسیاری از این موضوعات، جزوی از آموزه های مکاتب اخلاقی و عرفانی هم هست و مشابهت تام با سلوک و سخن برخی از پیران تصوّف یا توصیه های موجود در اندرنامه ها دارد. همین مرزهای مشترک، باعث می شود که برخی از رباعیات خیّامانه در بافت و زمینه یک متن اخلاقی یا عرفانی، قابل توجیه و تفسیر باشد و خارج از آن بافت، به گونه سخنی کفرآمیز یا شبهه ناک جلوه کند و هدف نقدهای سخت و متعصّبانه قرار گیرد.

سخن آخر این است که در اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم، مکتب خیّام در شعر فارسی چنان نفوذ و سیطره ای پیدا کرده که شعرا و عرفای متعصّب، خود را ملزم به پاسخ گویی به رباعیات منتسب به این مکتب می دیدند. طنز روزگار این است که گروهی از این افراد، ناخودآگاه از این مکتب تأثیر پذیرفته اند و رباعیاتشان یا به نام خیّام ثبت شده و یا در قالب رباعیات خیّامانه، به گسترش مکتب خیّام مدد رسانده است. نکته عبّرت آموز، این است که برای دوستان حکیم عمر خیّام نیشابوری، منابعی مثل دیوان اشعار و نزهة الارواح امیرحسینی هروی، در ذیل نام خیّام اعتبار و اهمیت می یابد و بدان ارجاع و استناد می شود.



نمایه منابع

- آثار منشور و منظوم امیر حسینی هروی، دستنویس شماره ۲۲۰ حکمت، کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، فاقد رقم کاتب، نستعلیق قرن ۱۳ ق، ۲۷۴ برگ
- البلغة فی الحکمة، قطب الدین عبدالقادر بن حمزة بن یاقوت الاهری، مقدمه و تصحیح سید محمود یوسف ثانی، تهران، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۴۰۲
- تصحیح نزهة الارواح امیر حسینی هروی، حسن جهاندار ورنوسفادارانی، پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، ۱۳۹۶
- جنگ نظم و نثر، دستنویس شماره ۶۳۳ کتابخانه مجلس شورای اسلامی، کتابت در جمادی الاولی ۷۵۰ ق، ۱۶۲ برگ
- حکیم عمر خیام و رباعیات، کاظم برگ نیسی، تهران، انتشارات فکر روز، ۱۳۸۳
- دیوان اولو عارف چلبی، تصحیح و توضیح توفیق سبحانی، تهران، انتشارات دوستان، ۱۴۰۲
- دیوان پوربهاء جامی، دستنویس شماره Or.9213 کتابخانه بریتانیا، کتابت نظام الدین احمد شیرازی، حیدرآباد، اول رجب ۱۰۲۹ق، فیلم شماره ۸۵۸ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
- دیوان شرف الدین شفروه، دستنویس شماره ۳۲۰۴ کتابخانه بایگانی ملی هند، ۱۰۲۷ ق، ۲۱۵ برگ، فیلم شماره ۱۴۱۵ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
- رباعیات خیتام و خیتامانه‌های پارسی، سید علی میرافضلی، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۹۹
- سئته حسینی، مجموعه خطی شماره ۴۸۷۰ کتابخانه ایاصوفیا، کتابت نصیر بن حسن حافظ مکی، رمضان سال ۸۵۳ ق، ۳۱۶ برگ
- سفینه کهن رباعیات، تصحیح و تحقیق ارحام مرادی و محمد افشین وفایی، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۹۵
- شرح حال و آثار امیرحسینی غوری هروی، مایل هروی، کابل، وزارت اطلاعات و کلتور، حوت ۱۳۴۴
- طربخانه (رباعیات خیام)، یاراحمد رشیدی تبریزی، تصحیح جلال الدین همایی، تهران، نشر هما، چاپ دوم: ۱۳۶۷
- عبرالعاشقین، روزبهان بقلی شیرازی، به تصحیح هنری کرین و محمد معین، تهران، انتشارات منوچهری، چاپ چهارم: ۱۳۸۳
- عرفات العاشقین و عرصات العارفین، تقی الدین محمد اوحدی بلیانی، تصحیح سیدمحسن ناجی نصرآبادی، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۸۸، ۷ ج
- فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)، به کوشش مصطفی درایتی، تهران، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ۱۳۹۰

- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده ادبیات (مجموعه وقفی جناب آقای علی اصغر حکمت)، نگارش محمدتقی دانش‌پژوه، ضمیمه سال دهم مجله دانشکده ادبیات، تهران، ۱۳۴۱
- کتاب‌شناسی آثار فارسی چاپ شده در شبه قاره، عارف نوشاهی، تهران، نشر میراث مکتوب، ۱۳۹۱، ج ۴
- کلیات اشعار شاه نعمت الله ولی، به سعی دکتر جواد نوربخش، تهران، انتشارات خانقاه نعمت الهی، ۱۳۶۹
- کلیات شمس یا دیوان کبیر، با تصحیحات بدیع الزمان فروزانفر، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم: ۱۳۵۵، ج ۸
- لغت موران (به پیوست چند اثر پراکنده)، شهاب‌الدین یحیی سهروردی، به تصحیح و مقدمه نصرالله پورجوادی، تهران، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۸۶
- مثنوی‌های عرفانی امیرحسینی هروی، تصحیح و توضیح سید محمد ترابی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۱
- مجموعه آثار شیخ محمود شبستری، به اهتمام صمد موحد، تهران، کتابخانه طهوری، چاپ دوم: ۱۳۷۱
- مجموعه آثار حسینی، دستنویس شماره ۲۱۲۷ کتابخانه ایاصوفیا، کتابت در ذی القعدة ۸۷۸ ق، ۲۰۰ برگ
- مجموعه اشعار، دستنویس شماره ۴۴۹ یحیی توفیق (کتابخانه سلیمانیه)، شعبان ۷۵۴ ق، ۱۵۳ برگ
- مجموعه لطایف و سفینه ظرایف، گردآوری سیف جام هروی (در ۸۰۳ ق)، دستنویس OR. 4110 کتابخانه بریتانیا، بدون رقم، ۴۴۵ برگ
- نادره ایام حکیم عمر خیام و رباعیات او، اسماعیل یکانی، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۴۲
- نزهت الارواح، امیر حسینی هروی، تصحیح و توضیح پریا زواره‌ئیان، تهران، انتشارات زوار، ۱۴۰۰
- نفحات الأنس من حضرات القدس، نورالدین عبدالرحمان جامی، تصحیح محمود عابدی، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۰